

نوشته : دکتر جعفر بوشهری

قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران

مقدمه :

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۹ قانونی تحت عنوان فوق به تصویب رسید و مقدمات اجرای آن فراهم گشت که هرگاه پاره‌ای موارد و نکات در آن ملحوظ شود و روشهای فنی و دقیقی که در اداره اسور اینگونه سازمانها به بهای بسیار سنگین و صرف وقت فراوان بدست آمده رعایت گردد خدمتی عظیم به شیوه تحقیق و راهی تازه در بررسی مشکلات اجتماعی و حقوقی و سیاسی اقتصادی و اداری در این سرزمین باز خواهد کرد و در عین حال دولت را از نگهداری خروارها اوراق بلا فایده و بی مصرف که «اسناد ملی» در آنها مستغرق گشته است رها خواهد ساخت .

میلیاردها سند و نامه، میلیونها پرونده و دوسیه در قفسه‌ها و اطاقها وزیرزمین- های وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و وابسته به دولت انباشته شده و بعضاً حاوی مطالب مفید و ذیقیمت و احیاناً مهم و حیاتی است که در قفل و بند نهاده‌اند و بدست فراموشی سپرده‌اند .

بسیاری از آنها در معرض آفاتی از قبیل موش و موریانه و رطوبت واقع شده و از میان رفته است .

هر سازمان دولتی که تأسیس یافته اوراق و نامه‌ها و فرمها و اسناد و مدارکی ایجاد یا دریافت کرده و آنها را نگه داشته و هر روز که بگذرد بر حجم اسناد موجود آنها مرتباً و بدون وقفه افزوده میشود . شاید یکی از جالبترین آمارها این باشد که بطور متوسط دستگاههای بخش دولتی روزانه چندنامه و سند ایجاد یا دریافت میکنند

تا با مقایسه آن با حجم ساختمانهای دولتی بتوان پیش‌بینی کرد که درچه تاریخی فضای کلیه دستگاههای دولتی غرق در اسناد و مدارک و پرونده‌ها خواهد شد. بعضی وزارتخانه‌ها که با این مشکل مواجه شده‌اند مراکزی اجاره کرده بایگانی را کد خود را به این اماکن منتقل ساخته‌اند و هزینه آنها را سالهاست که از بودجه عمومی سی‌پرزازند، بدون اینکه کمترین بهره‌ای از آنها ببرند و یا حد اقل درهای بایگانی خود را برعامه و اهل تحقیق بگشایند.

قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران برای خاتمه دادن به اوضاع آشفته اسناد و مدارک و جلوگیری از انهدام آنها و جدا کردن نوشته‌های پر ارزش و اتخاذ تدابیر لازم جهت استفاده از آنها وضع و تصویب شده است. برای این منظور شورائی مرکب از چند وزیر و پاره‌ای مقامات قضائی و دونفر از اشخاص متبحر در فرهنگ و تاریخ ایران به پیشنهاد وزیر علوم و آموزش عالی و تصویب هیئت وزیران پیش‌بینی و وظایفی برای آن مقرر گردیده که اهم آنها یکی «تشخیص اوراق زائد قابل امحاء و تصویب فهرست مشروح آنها» و دیگری «تصویب آئین‌نامه‌های مربوط به تنظیم و نگهداری اسناد ملی و گذاشتن آنها در دسترس عامه» ذکر شده است که از آنها تحت دو عنوان «امحاء اوراق زاید» و «حفظ اسناد ملی» بحث خواهیم کرد و سپس به سازمان کلی دستگاه به شرحی که در قانون پیش‌بینی گردیده خواهیم پرداخت.

الف - امحاء اوراق زائد

در باب امحاء اوراق زائد دولت در گذشته نه تنها مجوزی وجود نداشت بلکه مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ قانون مجازات عمومی بدین شرح آنرا منع کرده بود.

ماده ۱۱۴ - هرگاه بعضی یا کل نوشته‌جات یا اسناد و اوراق یا دفتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی

که رسماً مأمور حفظ آنها هستند سپرده شده ربهوده یا معدوم یا تخریب شود دفتردار و مباشر ثبت و ضبط اسناد به حبس تأدیبی از شش ماه الی سه سال محکوم خواهد شد .

ماده ۱۱۵- مرتکبین هر یک از انواع و اقسام جرمهای مشروح در ماده فوق هر گاه غیر از مستحفظین باشند محکوم به حبس مجرد از سه الی شش سال خواهند گردید و اگر خود امانت دار مرتکب یکی از جنایات فوق الذکر شود محکوم به حبس با اعمال شاقه از سه الی ده سال خواهد بود .

مدلول ماده ۱۱۴ ناظر بموردی است که دفتردار و مباشرت و حافظ سند هیچگونه مداخله ای اعم از مباشرت و معاونت و مشارکت در ربهوده شدن یا تخریب یا معدوم شدن اسناد نداشته باشد قانونگذار صرفاً مسامحه و سهل انگاری در محافظت مدارک و اوراق را جرم و موجب مجازات دانسته و بار سنگین اثبات فقدان تقصیر را بعهده متهم گذارده است. بعبارت دیگر حافظ اسناد بایستی اثبات کند کلیه اقدامات احتیاطی را که عاده ممکن و میسر بوده بعمل آورده ، معذک اوراق و مدارک بعللی قهری و اجتناب ناپذیر که جلوگیری از آنها خارج از حد توانائی وی بوده از میان رفته است و در غیر اینصورت به مجازات مقرر در ماده فوق محکوم خواهد شد .

در ماده ۱۱۵ قانونگذار دو فرض نموده ، اول اینکه اسناد و اوراق توسط شخص یا اشخاصی غیر از مستحفظین ربهوده یا معدوم یا تخریب شود. و دوم در صورتی که جرائم مذکور توسط مستحفظین ارتکاب شود که در هر دو مورد جرم از درجه جنایت و رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه عالی جنائی خواهد بود .

با این ترتیب امحاء اوراق دولتی ولو اینکه بلافایده بودن آنها محل تردید نبوده و اگرچه با اجازه وزیر یا دیگر مقامات عالی رتبه وزارتخانه باشد رافع مسئولیت جزائی نبوده و موجب مصونیت مباشر و مرتکب و شرکاء و معاونین آنان از تعقیب و محاکمه و مجازات نمیگردد .

در قوانین ایران و تا قبل از تصویب «قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران» تنها مجوزی که برای اسحاء اوراق بلافاصله پیش بینی گردیده بود لایحه اصلاح قسمتی از مواد قانون آئین دادرسی کیفری است که در تاریخ اول مرداد ماه ۱۳۳۷ به تصویب کمیسیون مشترك دادگستری مجلسین رسیده و چنین مقرر داشته است: «پرونده‌های امور خلاقی که منتهی بصدور حکم و اجرای آن شده دو سال پس از اجرای حکم باید معدوم شود» ایرادهای عمده‌ایکه بر ماده فوق وارد است این که:

اولاً - مرجع صالح جهت تشخیص پرونده‌های فوق صراحةً معین نگردیده و معلوم نیست با دستور و اجازه چه مقامی پرونده‌ها را میتوان معدوم نمود.

ثانیاً - فقط پرونده‌هایی مشمول مقررات ماده فوق خواهند بود که منتهی بصدور حکم گردیده و حکم صادر اجرا شده باشد. بنا براین هرگاه پرونده ای مربوط بامور خلاقی قبل از صدور حکم و یا پس از صدور حکم و قبل از اجرا به جهات قانونی مشمول مرور زمان شده باشد معدوم نمودن آن طبق ماده فوق مجوزی ندارد.

درحالیکه میان دو نوع پرونده یعنی آنچه که در متن ماده پیش بینی گردیده از یکطرف و پرونده‌هایی که بعلت شمول مرور زمان اثر قانونی خود را از دست داده‌اند از طرف دیگر فرقی وجود ندارد تا به استناد آن بتوان اسحاء پرونده‌های نوع اول و خودداری از معدوم نمودن پرونده‌های نوع دوم را توجیه نمود.

در قانون جدید بمنظور تشخیص اوراق بلافاصله و بی‌صرف و از بین بردن آنها یکی در بند الف ماده پنجم تحت عنوان وظایف شورا و دیگری طی ماده هفتم احکامی مندرج است که عیناً نقل میگردد.

ماده پنجم بند الف - تشخیص اوراق زائد قابل اسحاء و تصویب فهرست مشروح آنها که قبلاً از طرف سازمان اسناد ملی وزارتخانه یا مؤسسه دولتی ذیربط طبق مقررات این قانون تهیه و تنظیم شده باشد.

ماده هفتم- آئین نامه مربوط به تشخیص اوراق زائد و ترتیب امحاء آنها به پیشنهاد رئیس سازمان اسناد ملی و تأیید شورا به تصویب کمیسیون های مربوط مجلسین می رسد .

با این ترتیب امحاء اوراق و اسناد اگر در حدود مقررات فوق صورت نگیرد از مصادیق مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ قانون مجازات عمومی و مستلزم مجازات های پیش-بینی شده در آن مواد خواهد بود .

بیرون کشیدن اوراق و پرونده های زائد از آرشیو وزارتخانه های دولتی و امحاء آنها طبق مقررات اسریست نه تنها مفید و مؤثر در حسن جریان امور سازمانها بلکه به علت مشکلات ناشی از هزینه روز افزون حفظ و نگهداری چنان اوراقی اقدامیست ضروری و لازم و اجتناب ناپذیر. لیکن اینکه کدام سند و پرونده زائد و بلا مصرف است و باید معدوم شود و کدام یک دارای نوعی ارزش است که باید به لحاظ اداری یا مالی یا اقتصادی یا سیاسی یا فرهنگی یا علمی یا فنی یا تاریخی نگهداری شود محتاج دقت و تأمل و اطلاع و تسلط بر فنون تجزیه و تحلیل مدارك و مکاتبات خواهد بود .

بنا بر این پیش از طرح هر نقشه و برنامه ای برای امحاء اوراق باید ارزش اسناد و مدارك معین و معلوم گردد تا آنچه فاقد ارزش است از سایر سوابق جدا گردد .

موضوعی که در امحاء اوراق زائد بلحاظ حقوق عمومی باید مورد کمال توجه قرار گیرد اینست که به قوه مقننه حق و اختیار داده شده است که در سازمان و وظائف و روشها و نحوه اجرای قوانین رسیدگی کند . چنانکه اصل سی و سوم متمم قانون اساسی صریح است به اینکه هر یک از مجلسین حق تحقیق و تفحص در هر امری از امور مملکتی را دارند و اصل بیست و هفتم قانون اساسی مقرر میدارد که مجلس در هر جا نقصی در قوانین و مسامحه در اجرای آن ملاحظه کند به وزیرمسئول در آن کار اخطار خواهد کرد و وزیر مسؤویر باید توضیحات لازمه را بدهد .

ولی در اصل شصت و پنجم متمم قانون اساسی پیش‌بینی شده است که مجلس شورای ملی یا سنا میتوانند وزراء را تحت مؤآخذ و محاکمه در آورند آنگاه ضمانت اجرای شدیدی بر رأی و نظر مجلس بموجب اصل شصت و هفتم متمم قانون اساسی بدین شرح مقرر گردیده است .

« در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا به اکثریت تامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار نماید آن هیئت یا آن وزیر از مقام وزارت معزل می‌شود . »

برای انجام وظائف و مسئولیتهائی که مجملی از آنها از قانون اساسی و متمم آن فوق‌مستقول افتاد مأخذ و منبع قابل اعتمادی جز اسناد و مدارک موجود در وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی وجود ندارد .

بعبارت دیگر برای اجرای نظارت و حصول اطمینان از جریان صحیح قوانین احتیاج قطعی به بررسی و رسیدگی به اسناد و مدارک قوه مجریه می‌باشد . علیهذا هرگاه معدوم نمودن اسناد و مدارک منحصرأً به قوه مجریه و اگذار گردد خارج از امکان نیست که دلائل تخلف یا سهل‌انگاری دولت نیز همراه با اوراق بلا فایده محو و معدوم شود .

اکنون با تأمل در بندالف از ماده پنجم قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران که تشخیص اوراق زائد قابل امحاء و تصویب فهرست مشروح آنها را در صلاحیت شورائی که اکثریت قاطع آنها از اعضاء قوه مجریه تشکیل میدهند چنین استنباط میشود که مجلسین در امر امحاء اوراق مشارکت و مداخله و نظارت نخواهند داشت .

ماده هفتم همان قانون در مورد آئین‌نامه مربوط به تشخیص اوراق زائد و ترتیب امحاء آنها که باید به تصویب کمیسیون‌های مربوط مجلسین برسد ظاهراً مربوط به روش انجام کار است و حکایتی از نظارت مستقیم کمیسوی از مجلسین در امحاء اوراق ندارد .

برای رفع نقص مزبور ضروری و مقتضی است که در هر یک از مجلسین کمیسیونی در عرض سایر کمیسیونها و یا کمیسیون مشترکی از هر دو مجلس برای رسیدگی و نظارت به امور اسناد و مدارك دولت تشکیل شود و اسناد زائدرها هنگامی معدوم نمایند که کمیسیونهای مزبور نظر موافق خود را اعلام کرده باشند. و الا علاوه بر مسأله ایکه فوقاً در باب نظارت قوه مقننه بر اجرای قوانین از طریق بررسی پرونده های دولت مذکور افتاد مشکلات زیر نیز بروز خواهد کرد.

۱- همینکه یک دسته مدارك و پرونده ها که با تصویب شورای عالی محو و معدوم گردیده در معرض انتقاد و سؤال نمایندگان و مطبوعات قرار گیرد شورای عالی جسارت ادامه کار و تصویب مستمر امحاء اوراق زائدرها از دست میدهد و برنامه با وقفه و احياناً تعطیل مواجه خواهد شد.

۲- افکار عمومی به حکم اینکه از طریق نمایندگان خود بر معدوم نمودن اوراق زائد نظارتی ندارد به آن با سوء ظن و تردید می نگرند.

۳- از دیوان محاسبات فقط یک تن که دادستان دیوان محاسبات می باشد در شورای سازمان اسناد ملی عضویت دارد. و چون تصمیمات با اکثریت آراء اتخاذ خواهد شد هرگاه اسناد و مدارکی برای رسیدگی به حسابها و ممیزی در امور مالی دولت مورد احتیاج دیوان بوده در تشخیص مسئولیت دولت مؤثر باشد و دادستان دیوان محاسبات بخواهد از معدوم نمودن آن جلوگیری نماید با هیچ وسیله و از هیچ طریقی قادر به تأمین نظر خود نبوده جز تسلیم به رأی و تصمیم اکثریت که قطعی است راهی نخواهد داشت.

لیکن هرگاه مرحله نهائی رسیدگی به کمیسیون مشترك اسناد و مدارك مجلسین واگذار شود دادستان دیوان و یا هر مقام دیگری که معدوم شدن مدارك را خلاف مصالحت تشخیص دهد میتواند به کمیسیون مجلس مراجعه و از امحاء چنان اوراقی با ذکر جهات و دلائل موجه جلوگیری کند.

تکلیف قانونی وزارتخانه ها

هیچگونه تکلیف قاطع و مشخصی برای سمیزی سالیانه در اسناد و مدارک وزارتخانه ها و سازمانهای وابسته و جدا نمودن اوراقیکه بی فایده و بلا مصرف بوده برای اسحاء به سازمان اسناد ملی پیشنهاد شود، در این قانون بنظر نمی رسد فقط در بند ب ماده ششم چنین میخوانیم که « وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و وابسته بدولت مکلفند کلیه اسناد و پرونده های را که در اکتیاجی به نگهداری آنها در سازمان مربوط نیست برای نگهداری موقت به سازمان اسناد ملی بسپارند مگر آنکه از تاریخ تهیه و تنظیم سند و یا تاریخ آخرین برگ پرونده مدت چهل سال گذشته باشد»

از اصطلاح «راکد» تعریفی بعمل نیامده و هرگاه عبارتی که بلا فاصله بعد از آن ذکر گردیده یعنی اسنادیکه « اکتیاجی به نگهداری آنها در سازمان نیست » راکد بدانیم معلوم نیست چرا و به چه علت چنان مدارکی که سازمان به آنها اکتیاج ندارد باید برای نگهداری موقت نه دائم به سازمان اسناد ملی سپرده شود.

توضیح اینکه اسناد بر دو گونه است اول آنها که دارای ارزش دائمی و همیشگی است و باید جزء اسناد مهم و ملی برای ابد حفظ و نگهداری شود مانند پیش نویس قانون اساسی و قراردادهای عمده و مکاتبات میان سلاطین و رؤسای دول و اسناد حاکی از شکستهای عظیم یا موفقیتهای تاریخی یا آنچه که مربوط به اختراعات و اکتشافات یا روابط اقتصادی که منشأ تحولاتی گشته یا تغییرات شگرفی در یکی از شئون سیاسی یا اجتماعی مردم یا طبقه و گروهی از آنها پدید آورده باشند.

دوم توده های متراکم اوراق که اگرچه دارای ارزشهای مختلف و متفاوتی هستند معدلک جنبه موقت داشته بعضی از آنها پس از تحقق شرطی خاص و برخی بعد از صدور مفاصا حساب و باقیمانده پس از انقضای مواعد مختلف از درجه اعتبار ساقط گشته باید معدوم شوند.

ارسال کلیه اسناد وزارتخانه که «راکد» شده‌اند به سازمان اسناد ملی بدون تجزیه و تحلیل فوق سازمان را با مشکلاتی بمراتب بغرنج‌تر و پیچیده‌تر از مسائلی که وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های وابسته به دولت در حال حاضر با آنها درگیر می‌باشند مواجه خواهد ساخت.

زیرا در حال حاضر متصدیان و مسئولان دفاتر وزارتخانه‌ها کم و بیش از محتویات پرونده‌ها مطلعند و چون ارتباط آنان با پرونده‌ها بعلمت انتقال مدارک به سازمان اسناد ملی قطع گردد تجزیه و تحلیل مدارک را عملاً غیر ممکن خواهد ساخت.

نظریه جهات فوق چنین بنظر می‌رسد که وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی باید بنحوی مکلف شوند که هر سال اسناد و مدارک موجود خود را تجزیه و تحلیل نموده فهرست‌ها و جداولی حاوی تقاضای معلوم نمودن اوراق و اسنادی که فقدان ارزش اداری و حقوقی آنها محرز باشد تهیه و به سازمان اسناد ملی تسلیم نمایند تا پس از بررسی کارشناسان سازمان و تأیید مراجع صالح و انجام تشریفات قانونی در امحاء آنها اقدام شود. سابق مدارک آن قسمت که مورد احتیاج وزارتخانه نبوده لیکن به لحاظ سازمان اسناد ملی ارزش نگهداری داشته باشد به سازمان اسناد ملی منتقل و در آنجا بر طبق روشهای دقیق حفظ و مورد استفاده قرار گیرد.

ب - حفظ اسناد ملی

ماده اول قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران بنحو جالب و با حدود و شرائط منطقی و معقولی هدف سازمان را چنین مقرر داشته است :

بمنظور جمع‌آوری و حفظ اسناد ملی ایران در سازمان واحد و فراهم آوردن شرائط و امکانات مناسب برای دسترسی عموم به این اسناد و همچنین صرفه‌جویی در هزینه‌های اداری و استخدامی از طریق تمرکز پرونده‌های راکد وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و امحاء اوراق زائد سازمانی بنام سازمان اسناد ملی ایران

وابسته به سازمان امور اداری و استخدامی کشور تأسیس میگردد»

عنصر اساسی که از تعریف فوق از قلم افتاده اتخاذ تدابیر لازم جهت ایجاد نظم و ترتیب و حتی یکنواخت نمودن روشهای حفظ مدارک در سازمانهای دولتی است که حتماً باید در همین ماده و از جمله هدفهای عمده سازمان ذکر می‌شود. این نقص در بند د ماده پنجم تحت عنوان وظائف شورا بدین شرح تا حدی مرتفع شده است:

«تصویب مقررات و ضوابط و معیارهایی که وزارتخانه‌ها و مؤسسات وابسته به دولت باید در تنظیم و ضبط و نگهداری پرونده‌ها و اسناد و مدارک رعایت کنند» .

و اما مسأله اساسی که در قانون بکلی فراموش گشته و حتی بنحو ضمنی و به صورت اشاره نیز از آن ذکری نرفته موضوع اسناد و مدارک قوه مقننه است. مذاکرات مجلسین و اسنادیکه در آرشیو مجالس مزبور در حال حاضر نگهداری میشود بلحاظ هدف سازمان اسناد ملی ایران یعنی جمع‌آوری و حفظ اسناد ملی و گذاردن آنها در دسترس عموم حائز کمال اهمیت است و خارج ساختن آنها از حدود صلاحیت سازمان ارزش فعالیت‌های سازمان را بنحو قابل ملاحظه‌ای کاهش خواهد داد.

ج - سازمان

طی ماده دوم سازمان اسناد ملی ایران مرکب از یک رئیس و یک شورا پیش‌بینی و در ماده چهارم مقرر گردیده است که شورای سازمان از اشخاص زیر خواهند بود:

۱- وزیر امور خارجه

۱- وزیر فرهنگ و هنر

۳- دادستان کل

۴- دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور

۵- دادستان دیوان محاسبات

۶- دوفتر از اشخاص متبحر در فرهنگ و تاریخ ایران به پیشنهاد وزیر علوم و آموزش عالی و تصویب هیئت وزیران که برای مدت سه سال انتخاب میشوند و انتخاب مجدد آنها بلامانع است . -

اهم ایرادها آنیکه به ترکیب شورا وارد بنظر میرسد بدین شرح است :

۱- برخی وظایف که به شورا محول گردیده مربوط به وزارتخانه ها و سازمانهای وابسته به دولت است چنانکه بند ماده پنجم قانون مقرر میدارد « تصویب مقررات و ضوابط و معیارهایی که وزارتخانه ها و مؤسسات وابسته به دولت باید در تنظیم و ضبط و نگهداری پرونده ها و اسناد و مدارك رعایت کنند . »

و بموجب بند ب ماده ششم تکالیفی به وزارتخانه ها بدین خلاصه محول گردیده است که « وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی وابسته به دولت مکلفند کلیه اسناد و پرونده های را کدرا که احتیاجی به نگهداری آنها در سازمان مربوط نیست برای نگهداری موقت به سازمان اسناد ملی بسپارند . »

با این ترتیب و بمنظور اطلاع و احاطه شورا بر مسائل و مشکلات کلیه وزارتخانه ها مقتضی چنین بود که از هر وزارتخانه یک تن در سطح معاون وزیر و شاید معاون اداری در شورا عضویت میداشت تا اولاً شورا به وضع اسناد و مدارك وزارتخانه ها مستحضر میگشت و ثانیاً معاون وزیر با مشارکت در تصمیمات شور و اطلاع کامل از دلیل و فلسفه و احکام آن در اجرای مصوبات شورا اقدام می کرد .

عضویت سازمانهای وابسته به دولت در شورا ضرورتی ندارد زیرا هر یک از سازمانهای مذکور به نحوی از انحاء بایکی از وزارتخانه ها متصل است و از طریق معاون وزارتخانه خواهد توانست باشورا در تماس باشد .

۲- عضویت دوتن اشخاص متبحر در فرهنگ و تاریخ ایران درشورا ظاهراً بدین منظور بوده است که اسناد مهم و تاریخی از نظر آنان بگذرد و از اسحاء آن جلوگیری بعمل آید .

در حالیکه اولاً شورا مرجع اتخاذ تصمیم است و عضویت اشخاص غیرمسئول در آن با ماهیت وظایف شورا مباینت خواهد داشت . ثانیاً اسناد و مدارکی که برای اسحاء به شورا پیشنهاد میشود واجد جنبه های مختلف و متعدد است که فرهنگ و تاریخ از جمله آنهاست چنانکه اسناد علمی موجود در دانشگاهها و مراکز تحقیق وابسته به دولت و مدارک قضائی و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و آماري لزوماً در حد تخصص اشخاص مسلط و حتی متبحر در فرهنگ و تاریخ نیست ولذا باید از این لحاظ نیز تدبیری اتخاذ شود .

راه حل مشکلات فوق اینستکه هیئتی مشورتی مرکب از متخصصان و صاحب نظران علوم و فنون مختلف که با جنبه های گوناگون اسناد و مدارک سروکار داشته باشند تشکیل و با شورا تشریک مساعی نمایند .

نظریات و پیشنهادهای آنان در هر حال مشورتی بوده و برای اتخاذ تصمیم به شورا تسلیم خواهد شد .

لزوم تشکیل هیئت مشورتی فوق را با تأمل در قانون تأسیس سازمان اسناد ملی میتوان استنباط کرد .

در قسمت اخیر تبصره ذیل ماده اول قانون پس از ذکر انواع اسناد چنین تصریح شده است : از لحاظ اداری - مالی - اقتصادی - قضائی - سیاسی - فرهنگی - علمی - فنی و تاریخی ، به تشخیص سازمان اسناد ملی ایران ارزش نگهداری دائمی داشته باشد . بنا بر این محال است وجود فقط دو تن افراد متبحر در فرهنگ و تاریخ ایران منظور را تأمین نماید .

هیچیک از ایرادات فوق متوجه اساس فکر و تصمیم به تأسیس آرشیو ملی

در ایران نیست نقش و ارزش و اهمیت آرشیو ملی به حدیست که حتی دورنمای آن در هر محقق و طالب علمی ایجاد شوق می کند و در قلب وی امید های تازه ای می پروراند . رعایت آنچه که فوقاً مذکور افتاد بلحاظ جلوگیری از مسائل و مشکلاتی است که در اجرای وظائف سازمان ممکنست بروز کند و بسط و توسعه فعالیت های آنرا با تعویق مواجه سازد .